

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۳

## تبیین نظریه غیبت امام در اندیشه ابن قبه رازی

عباس میرزایی\*

مرضیه امری\*\*

### چکیده

ابن قبه رازی متکلمی از جریان معتزلیان شیعه شده است که در دوران غیبت صغرا در حوزه تبیین اندیشه‌های امامیه و دفاع از آموزه‌های اعتقادی تشیع فعالیت‌های بسیاری کرده است. این نوشتار، بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که ابن قبه رازی در بحث غیبت، در رویارویی با مخالفان چه طرحی داشت و این که آیا تئوری او در دوره‌های بعدی کلام امامیه در بغداد مورد پذیرش قرار گرفت؟ همچنین به این بحث اشاره خواهد شد که آیا ابن قبه مصداق مناسبی برای نظریه خط اعتدالی که مدرسی طباطبایی معرفی می‌کند و نافی صفات فوق بشری ائمه علیهم‌السلام و از جمله غیبت و نامیرایی امام هست یا خیر؟ فرضیه مورد بحث این است که ابن قبه در در بحث غیبت طرحی تبیینی - دفاعی مطرح کرده که اساس آن را می‌توان در دوره‌های بعدی کلام امامیه - یعنی زمانه شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی - رصد کرد. با بررسی آثار بر جای مانده به این نتیجه رسیدیم که ابن قبه از نظریه غیبت در غالب طرحی جدید به بحث پرداخته و وزانت این طرح به گونه‌ای بوده که تأثیر آن بر متکلمان بعدی را آشکارا می‌توان یافت. این بحث، نظریه مدرسی را با ابهام روبه‌رو می‌کند.

### واژگان کلیدی

تاریخ غیبت، ابن قبه رازی، مدرسی طباطبایی، غیبت صغری، مدرسه بغداد.

\* پژوهش‌گر پژوهشگاه قرآن و حدیث (مؤسسه دارالحدیث) نویسنده مسئول (mirzae.a@riph.ac.ir).

\*\* کارشناس ارشد مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب.

ابن قبه رازی از جمله معتزلیانی است که در نیمه دوم سده سوم هجری اندیشه امامیه را پذیرفت و به دفاع عقلانی از تفکرات امامیه پرداخت. ویژگی شاخص ابن قبه این است که تنها در حوزه امامت فعالیت می‌کرده است، به گونه‌ای که تمام آرا و اندیشه‌ها، آثار و مناظرات وی در بحث امامت است. تخصص وی در این بحث، او را به عنوان صاحب نظری شناخته شده در تاریخ تفکر امامیه مطرح کرده است، به گونه‌ای که در مدرسه کلام امامیه در بغداد (نک: حسینی زاده، ۱۳۹۳) و میان متکلمانی همچون شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی می‌توان تأثیر اندیشه‌های امامتی وی را رصد کرد.

بحث غیبت از مباحثی است که در منظومه معرفتی ابن قبه جایگاهی درخور توجه دارد و در آثار بر جای مانده از وی نظریات و اندیشه‌های او شایسته توجه است. توجه به اندیشه‌های ابن قبه در مباحث مهدوی و غیبت از چند جهت است؛ نخست آن که مدرسی طباطبایی در کتاب *مکتب در فرایند تکامل* درباره جریان‌های فکری امامیه و ابن قبه نظریه‌ای مطرح کرده است که چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. مدرسی معتقد است نظریه امامت سیر تطور داشته و در ابتدا معنایی سیاسی داشت و در ادامه رنگی اعتقادی به خود گرفت. وی بر این باور است که جریان‌های مختلفی در تشیع امامی تلقی‌های مختلفی از امامت داشته است که عبارت‌اند از غالیان (الحادی و غیرالحادی = مفوضه)، مقصره و معتدله / خط اعتدال / خط میانه (نک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۴: ۵۶-۱۰۷). مدرسی - که خود را وفادار به خط اعتدال و راه میانه معرفی می‌کند (همو: ۱۰۶) - در تبیین امامیان معتدله معتقد است اینان صفات فوق بشری، مانند علم غیب، قدرت، معجزه و برخی صفات دیگر را برای امام قائل نبوده‌اند و درباره این‌ها به طور خاص در جای جای فصل دوم کتاب بحث می‌کند. او این صفات را اندیشه‌های غالیان (به تعبیر او مفوضه) می‌داند که به امام نسبت می‌داده‌اند و با واکنش و مخالفت امامیان خط میانه و معتدل روبه‌رو می‌شده‌اند. وی معتقد است این اندیشه‌ها با تلاش‌های مفوضه وارد اندیشه امامیه شد (همو: بخش دوم). نکته مهم این جاست که مدرسی در ابتدای این فصل یکی از این ویژگی‌های فوق بشری و غالیانه را «غیبت» و «نامیرا بودن» معرفی می‌کند و می‌گوید: «این اعتقاد در میان سواد اعظم مسلمانان به نام غلو شناخته شده» ولی به همین مقدار بسنده کرده و در ادامه درباره آن بحث نمی‌کند (همو: ۵۷ - ۶۰). به هر حال، مدرسی می‌کوشد ابن قبه را به عنوان نماینده‌ای از خط اعتدال در سده سوم و اوایل

سده چهارم نشان دهد که مخالف صفات فوق بشری امام است (همو: ۱۰۱). اما نکته اصلی این جاست که مدرسی در نظریه خود دارای ابهام است و ابن قبه نمی‌تواند مصداقی کامل برای نظریه‌اش باشد؛ زیرا اگرچه وی نافی صفات فوق بشری مانند علم غیب است، ولی بحث غیبت و نامیرا بودن امام را کاملاً مطرح می‌نماید و از آن دفاع می‌کند. افزون بر این که در همان بحث صفات ائمه و نسبتی که به ابن قبه داده می‌شود نیز نظریه‌ای کامل ارائه نمی‌دهد. این نوشتار درباره نظریات و اندیشه‌های ابن قبه در موضوع غیبت بحث می‌کند و نشان خواهد داد که وی در این موضوع منظومه‌ای کامل از اندیشه‌های مهدوی را مطرح کرده است؛ موضوعی که پیش از این مورد بحث پژوهش قرار نگرفته است.

این پژوهش از جنبه‌ای دیگر نیز با اهمیت است و آن این که نشان داده شود متکلمان دوره غیب صغرا چگونه به نظریه پردازی و تبیین اندیشه غیبت پرداخته‌اند و این اهمیت برای ابن قبه برجستگی بیشتری دارد؛ زیرا وی متکلمی است که سابقه اعتزال دارد. چگونگی مباحث و نظریات وی درباره غیبت امام با توجه به شیوه‌های عقل‌گرایانه‌ای که معتزلیان به آن معروف‌اند خود نکته‌ای درخور توجه است. نتیجه به دست آمده آن است که ابن قبه آشکارا به تبیین عقلی انگاره‌های بحث غیبت و مباحث مرتبط پرداخته است که بسامد آن را می‌توان تا قرن‌ها بعد از وی در آثار نگاشته شده در این باره رصد کرد.

### شخصیت و جایگاه ابن قبه در تاریخ تفکر امامیه

ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قَبّه [قَبّه] رازی معروف به ابن قَبّه رازی از متکلمان امامیه در نیمه دوم سده سوم هجری است. وی تقریباً معاصر شیخ کلینی (م ۳۲۹ق) است و در ری زندگی می‌کرده و همان‌جا نیز درگذشته است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۵؛ حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۳). درباره سال فوت وی تاریخ دقیقی مشخص نیست، ولی از مبادله کلامی میان وی و ابوالقاسم بلخی می‌توان سال مرگش را پیش از سال ۳۱۷ (ابن اثیر، ۲۰۰۲: ج ۸، ۲۳۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۲۵۵) یا ۳۱۹ قمری (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ج ۳، ۴۵؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸: ج ۱۱، ۱۸۶) حدس زد؛ یعنی همان سالی که بلخی از دنیا رفته است. براین اساس سال وفات ابن قبه پیش از این دو تاریخ بوده است؛ زیرا وقتی ابوالحسین سوسنجدی نقدیه مجدد بلخی را نزد ابن قبه می‌برد، درمی‌یابد که وی از دنیا رفته است (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۱۹).

درباره مذهب ابن قبه نیز باید گفت که به تعبیر نجاشی، وی در ابتدا معتزلی بوده و سپس

به مذهب امامیه گروید و در این مذهب صاحب بصیرت شد (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۸).  
فهرست نگاران و تراجم نگاران همگی به این گزارش اشاره کرده‌اند و هیچ گزارش خلافی به  
دست نرسیده است.

درباره موقعیت و جایگاه وی در میان امامیان نیز باید گفت بزرگان امامیه در دو مدرسه  
حدیثی و کلامی قم و بغداد همگی به تعریف و تمجید از وی پرداخته‌اند. شیخ  
صدوق (م ۳۸۱ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق) سید مرتضی (م ۴۳۶ق) نجاشی (م ۴۵۰ق)، شیخ  
طوسی (م ۴۶۰ق) و همچنین فهرست نگاران دوره بعد، همگی با نیکی از وی یاد کرده‌اند. شیخ  
طوسی درباره ابن قبه رازی چنین آورده است:

ابن قبه رازی از متکلمان امامی مذهب و از حاذقان آنان است. (همو: ۳۸)

نجاشی - که فهرست خود را پس از فهرست شیخ طوسی نوشته و در صدد بوده کمبود و  
اجمال فهرست شیخ و گفتار او را جبران کند - اطلاعات بیشتری ارائه می‌کند. او ابن قبه را  
این‌گونه توصیف می‌نماید:

ابن قبه رازی متکلمی عظیم‌القدر، نیکو عقیده، نیرومند و قوی پنجه در علم کلام بود و  
کتاب‌هایی در این زمینه نگاشت. (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۶)

علامه حلی (۱۴۱۷: ۳۴۳) به مانند ابن داود (۱۳۹۲: ۱۷۷) نیز نام او را به بزرگی یاد کرده و  
گفتار شیخ طوسی و نجاشی را درباره وی نوشته‌اند. همچنین علامه حلی او را «شیخ الامامیه  
فی زمانه» توصیف کرده است (حلی، ۱۴۱۷: ۳۴۳). سید مرتضی در حضور شیخ مفید به  
تمجید از وی می‌پردازد (مفید، ۱۴۱۴: ب: ۲۲) و در الشافی از او به نیکی یاد می‌کند (شریف  
مرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۲۶ و ۳۲۳). ابن قبه متکلمی زبردست بوده که متون فهرستی و رجالی  
امامیه همه او را به مهارت در کلام با بیان‌های مختلف ستوده‌اند. قوی فی الکلام (نجاشی،  
۱۴۱۶: ۳۷۵)، من متکلمی الشیعة (الامامیه) و حذاقهم (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۲۵؛ طوسی،  
۱۴۱۷: ۲۰۷)، المتکلم الفحل (مازندرانی، ۱۳۸۰: ۱۳۰) و متکلم عظیم‌القدر (حلی، ۱۴۱۷:  
۳۴۳؛ ابن داود، ۱۳۹۲: ۱۷۷) از جمله این عبارات‌هاست.

موفقیت‌های علمی ابن قبه در مناظره با بزرگان فرق کلامی دیگر حتی تا یک قرن بعد نیز  
نقل محافل علمی امامیه بوده است (مفید، ۱۴۱۴: ب: ۲۲). شهرستانی او را از بزرگان امامیه  
معرفی می‌کند (شهرستانی، بی تا: ج ۱، ۳۲۹) و فخر رازی (م. ۶۰۶ق.) نیز او را از اذکیاء امامیه

در کنار سید مرتضی می‌داند (فخر رازی، ۱۴۱۱: ۵۹۹). ابن ناصرالدین شافعی (م ۸۲۴ق)، به عنوان تنها رجال نویس از اهل سنت که به ابن قبه اشاره کرده، وی را از متکلمان شیعه به شمار می‌آورد (قیسی دمشقی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۸۳).

درباره جایگاه علمی ابن قبه نیز باید گفت در دوران حیات علمی خود با بزرگان و شیوخ فرق کلامی مخالف امامیه به بحث و مناظره می‌نشسته است که می‌توان به ابوالقاسم بلخی اشاره کرد. ابن قبه با او مناظره‌ای مکتوب و مفصل داشته است که مورد اشاره قرار می‌گیرد. وی نه تنها در دفاع از عقاید امامیه، با متکلمان غیر امامی اهل مناظره بوده، بلکه در جامعه امامیه آن روزگار شخصیتی رفیع و محل رجوع امامیان به شمار می‌رفته است که مشکلات عقیدتی خود را با او مطرح می‌کرده‌اند (نک: رازی، ۱۴۱۶ الف: ۶۰).

### بسامد آرای ابن قبه در باب امامت و غیبت

در سخن از جایگاه و موقعیت علمی ابن قبه می‌توان به بازخورد آرا و اندیشه‌های وی توجه کرد. بررسی این موضوع، افزون بر تبیین جایگاه علمی ابن قبه، نقش وی در سیر تاریخ تفکر امامیه را نیز روشن خواهد ساخت. در آثار بر جای مانده از این بزرگان امامیه، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) از نظر رتبه زمانی، اولین عالم شیعی است که در آثار خود از نگاه‌های ابن قبه استفاده کرده است. او تقریباً دوازده سال پس از وفات ابن قبه، آثار و آرای وی را مورد توجه قرار داده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق در *کمال الدین و تمام النعمه* سه رساله مهم از ابن قبه را با حذف خطبه و دیباچه آورده است. رساله اول با نام *التقض علی ابوالحسن علی بن احمد بن بشار*، در نقد نوشته یکی از طرفداران جعفر کذاب به نام ابوالحسن علی بن احمد بن بشار و اثبات امام دوازدهم و غیبت ایشان است (صدوق، ۱۴۱۶: ۵۳ - ۶۰). او درباره امام عسکری علیه السلام و غیبت امام دوازدهم علیه السلام اشکالاتی مطرح می‌کند که ابن قبه به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازد. رساله دوم در حقیقت پاسخ ابن قبه به نامه عده‌ای از شیعیان است که در آن انتقادهای معتزله بر نظریه امامیه درباره غیبت امام دوازدهم بررسی می‌شود (همو: ۶۰ - ۶۳). رساله سوم - که صدوق آن را به عنوان تتمه مقدمه *کمال الدین* مطرح کرده است - در واقع بزرگ‌ترین رساله بر جای مانده

۱. سید بن طاووس سال ۳۳۱ قمری را سال نگارش *معانی الاخبار* می‌داند (ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۴۴۷) و از آن جا که ابن قبه، قبل از ۳۱۹ از دنیا رفته است، به نظر می‌رسد تقریباً ۱۲ سال پس از وفات او، صدوق از آثارش استفاده کرده باشد.

از ابن قبه نیز به شمار می‌آید. این اثر در پاسخ به کتاب *الاشهاد* ابوزید علوی (م ۳۲۶ ق) - که خود از بزرگان زیدیه در ری بوده - با نام *نقض کتاب الاشهاد* نگاشته شده است. ابوزید درباره نص بر امام، اختلافات درون‌گروهی درباره ائمه علیهم‌السلام و قیام نکردن امامان شیعه انتقادهایی مطرح می‌کند (همو: ۹۴-۱۲۶). شیخ صدوق در کتاب *معانی الاخبار* نیز سه متن مهم درباره غدیر خم (همو، ۱۳۷۹: ۶۷-۷۴)، حدیث منزلت (همو: ۷۴-۷۹) و عصمت امام (همو: ۱۳۳-۱۳۶) از ابن قبه را بدون ذکر نام منبع آن نقل کرده است (همو: ۶۷-۷۹، ۱۳۳-۱۳۶).<sup>۱</sup> در این باره باید به این نکته اشاره کرد که قاضی عبدالجبار در کتاب *المعنی*، قسمت الامامة (معتزلی، بی تا: ج ۲۰، ۱۴۴)، ضمن مباحث و نظریات خود درباره جریان غدیر، مطالبی همانند آنچه شیخ صدوق در بحث حدیث غدیر (صدوق، ۱۳۷۹: ۶۷-۷۴) *معانی الاخبار* مطرح نموده، بیان کرده است. سید مرتضی در *الاشافی فی الامامة* (شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۶۹) در نقدیه خود بر همین قسمت از *المعنی*، تصریح می‌کند که مطالب مطرح شده از سوی قاضی، از کتاب *الانصاف* ابن قبه است. بر این اساس باید گفت شیخ صدوق از *الانصاف* در *معانی الاخبار* نیز استفاده کرده است.

پس از شیخ صدوق باید از شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نام برد که آثار و آرای ابن قبه را در بحث غیبت امام مورد توجه قرار داده است. شیخ مفید در *رسائل فی الغیبة* درباره غیبت و مباحثی چون عدم اخلال غیبت به حجیت امام، بررسی راویان روایات غیبت و علت پذیرش آنان، تواتر این گونه از اخبار و همچنین امکان اظهار معجزه امام غایب هنگام ظهور به دلیل اثبات امامت به مانند آرای ابن قبه مباحثی را مطرح کرده است (نک: مفید، ۱۴۱۴ الف). شیخ در *الفصول العشرة فی الغیبة* در موارد مختلفی مانند نقل اخبار این باب و کثرت

۱. همان‌گونه که مدرسی طباطبایی بیان کرده، در این سه متن، عبارت «قال ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین مصنف هذا الكتاب» (صدوق، ۱۳۷۹: ۶۷)، «قال مصنف هذا الكتاب» (همو: ۷۴) و «قال ابی جعفر مصنف هذا الكتاب» (همو: ۱۳۳) آمده است. نقل اول با آن چه در *المعنی* (معتزلی، بی تا: ج ۲۰، بخش الامامة و ج ۲، ۱۴۵) آمده از لحاظ محتوا یکسان است. بخش دوم نیز با آن چه در همان *مجلد المعنی*، (ص ۱۵۸) نقل شده هماهنگی دارد. بخش سوم در استدلالات بر لزوم عصمت امام نیز با آن چه در رساله *المسألة المفردة فی الامامة* ابن قبه در *کمال الدین* آمده یکسان است. بنابراین می‌توان گفت عبارت «قال ابو جعفر مصنف هذا الكتاب» در اوایل این بخش‌ها، در نسخه اصل *معانی الاخبار* - همانند *کمال الدین*، صفحات ۵۳، ۶۰ و ۹۴ - «قال ابو جعفر بن قبه» بوده و ناسخ نسخه‌ای که اساس نسخ متأخر قرار گرفته، چون با نام غیر مأنوس ابن قبه آشنا نبوده به تصور آن که منظور از ابو جعفر، خود صدوق است، عبارت «مصنف هذا الكتاب» را بر آن افزوده است. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۲۱)

ناقلان و مخالفت مخالفان (درباره ابن قبه نک: رازی، ۱۴۱۶ الف: ۶۰-۶۱ و درباره شیخ مفید نک: مفید، ۱۴۱۴ الف: رساله اول، ۱۱-۱۲) و امکان اظهار معجزه امام غایب هنگام ظهور (درباره ابن قبه نک: رازی، ۱۴۱۶: ۶۲ و درباره شیخ مفید نک: مفید، ۱۴۱۴ الف: ۵۱) مانند ابن قبه مباحثی را مطرح می‌کند.

سید مرتضی (م ۴۳۶ق) نیز پس از شیخ صدوق، بیشترین استفاده را از آثار و آرای ابن قبه برده است. او معروف‌ترین کتاب ابن قبه *الانصاف* را در اختیار داشته و در نوشته‌های خود از آن استفاده بسیار کرده است. وی تصریح کرده که عین الفاظ کتاب ابن قبه را مورد نقل قرار داد است (شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۲۸). وی در *الشافی فی الامامة* متن مهمی از نظریات تاریخی ابن قبه درباره سقیفه و حوادث تاریخی این جریان تأثیرگذار در تاریخ اسلام را مورد توجه قرار داده (همو: ۱۲۶) که به آن اشاره خواهد شد. او همچنین در یکی از جلسات علمی خود با شیخ مفید درباره نظریات ابن قبه بحث کرده و وی را مورد تمجید قرار می‌دهد. شیخ مفید در کتاب *الفصول المختاره* شیوه استدلال ابن قبه در بیان حدیث غدیر را در مناظره با یکی از بزرگان معتزله بیان می‌کند (مفید، ۱۴۱۴ ب: ۲۲)؛ همچنان که نظریات ابن قبه درباره غیبت امام دوازدهم و ادله آن در گفتار پایانی کتاب *تنزیه الانبیاء* نیز قابل رهگیری است (شریف مرتضی، ۱۹۸۹: ۲۲۵ و ۲۲۷). او همانند ابن قبه معتقد است برای تعیین امام هیچ راهی جز نص وجود ندارد؛ زیرا وقتی پذیرفته شد امام باید معصوم باشد و عصمت نیز مقامی نیست که در ظاهر افراد مشخص باشد، تعیین نص بر خداوند از طریق پیامبرش واجب است. از این رو برای شناخت امام معصوم چاره‌ای جز رجوع به نص الهی وجود ندارد (همو، ۱۴۱۱: ۴۳۲). همچنین وی در بحث جایگاه امام (همو: ۴۱۰، ۴۲۹، ۴۳) دلالت عقل بر وجوب نص (همو، ۱۴۱۰: ج ۲، ۷) و کارکرد و چگونگی آن (همو، ۱۴۱۱: ۴۳۵) مانند ابن قبه بحث می‌کند. افزون بر این که سید مرتضی مانند ابن قبه به امکان معجزه برای غیر نبی (همو: ۳۳۲ و ۴۲۹؛ همچنین نک: همو، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۸۲) و اظهار معجزه توسط امام غایب هنگام ظهور (درباره ابن قبه نک: رازی، ۱۴۱۶ الف: ۶۲ و درباره سید مرتضی نک: شریف مرتضی، ۱۹۸۹: ۱۸۴؛ همو، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۴۸)، اثبات وجود امام از طریق ضرورت وجود امام در هر عصر (درباره ابن قبه نک: همین نوشتار، بخش اثبات امامت امام و برای سید مرتضی نک: شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ب: ج ۲، ۲۹۴-۲۹۵) و همچنین رویت امام در ایام غیبت توجه دارد (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۱۸ و ۴۲۳).

شیخ طوسی (۴۶۰ق) نیز - از دیگر متکلمان امامی در قرن پنجم - نظریات ابن قبه را مورد اعتنا قرار داده است. درباره شیخ طوسی و بسامد آرای ابن قبه در آثار او باید گفت شیخ طوسی به غیر از کتاب *تلخیص الشافی* - که خلاصه کتاب *الشافی فی الامامة* سید مرتضی است و به تبع آرای ابن قبه در آن وجود دارد (طوسی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۱۹) - در چهار اثر از آثار دیگر خود به نظریات ابن قبه - گاه با عین عبارت - اشاره می‌کند؛ با این حال، نامی از ابن قبه به میان نمی‌آورد. او تحلیل تاریخی پیش‌گفته ابن قبه درباره سقیفه و حوادث پس از آن را در رساله *المفصح فی الامامة* (همو، ۱۴۱۴: ب: ۱۲۶) و *تمهید الاصول* (همو، ۱۳۶۲: ۳۸۶) و همچنین در *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد* (همو، ۱۳۹۱: ۳۱۵) با همان الفاظ ابن قبه در *الانصاف*، مطرح می‌کند. وی در *تمهید الاصول* مباحث مربوط به تبیین طریق امامت، وجوب نص بر امام و این‌که اگر پذیرفته شد امام معصوم است، بر خداوند واجب است او را معرفی کند (همو، ۱۳۶۲: ۳۱۳) را مانند ابن قبه بحث می‌کند. شیخ طوسی مشابه ابن قبه و در همان چارچوب، راه شناخت امام از غیر امام را نص و اظهار معجزه و همچنین امکان اقامه معجزه برای آخرین امام به هنگام ظهور مطرح می‌کند (همو: ۳۵۳؛ همو، ۱۳۶۲: ۳۵۳، ۳۶۸ و ۳۶۹)، بررسی و تبیین حدیث منزلت (همو: ۳۹۹-۴۰۱) و حدیث غدیر خم (همو: ۳۹۷-۳۹۸)، شبیه آن‌چه ابن قبه بحث نموده را ارائه می‌کند. وی مسائل مربوط به بحث غیبت (همو، ۱۴۱۴: الف: ۹۸) و عصمت (همو: ۹۸) را نیز در *مسائل الکلامیه* هم‌داستان با آرای ابن قبه بیان کرده است. ابوصلاح حلبی (۴۴۷ق) - از بزرگان امامیه - نیز در کتاب *تقریب المعارف* درباره غیبت (حلبی، ۱۴۱۷: ۲۰۲ و ۲۰۷) امام و حدیث غدیر (همو: ۱۵۱ و ۱۵۴) بر همان پایه و اساس مباحث و نظریات ابن قبه بحث کرده است.

#### اندیشه‌های مهدوی ابن قبه رازی

در سخن از نظریات ابن قبه درباره غیبت امام دوازدهم علیه السلام نخست باید گفت از آن‌جا که وی در عصر غیبت صغرا زندگی می‌کرده، شاهد هجمه شبهات اعتقادی فِرَق دیگر - اعم از شیعی و غیرشیعی - بوده است. او خود به معتزلیانی اشاره می‌کند که تلاش می‌کرده‌اند مسئله مهدویت را زیر سؤال ببرند (رازی، ۱۴۱۶: الف: ۶۱). از این‌رو مانند دیگر بزرگان امامی، در تبیین مسئله مهدویت و غیبت امام علیه السلام تلاش بسیاری کرده است. تقریباً در هر سه اثر باقی‌مانده از



وی - یعنی المسألة المفردة في الإمامة، النقض على ابوالحسن علی بن احمد بشار و نقض الأشهاد - می توان نظریات ابن قبه در این بحث را مشاهده کرد. بررسی این گزارش ها نشان می دهد گفتمان غالب بر مباحث غیبت و مهدویت ابن قبه، حاکی از ترسیم این موضوع به عنوان امری واقعی و از پیش تعیین شده است، نه مسئله ای که ناگهان برای امامیه حادثه شده و بر اثر اتفاقات و حوادث و شرایط بدان معتقد شده اند. همچنین روح حاکم بر مباحث مهدویت ابن قبه، توجه و تأکید بر اثبات امام و غیبت ایشان است نه اثبات امام به عنوان آخرین امام؛ بدین معنا که او نسبت به نظریه خود مبنی بر ادامه نظام سلسله امامت تا پایان جهان، در بعد از ظهور امام، سکوت می کند. البته می توان گفت اثبات امام غایب و قائم در واقع اثبات آخرین امام نیز هست که درباره اش بحث خواهد شد.

### اثبات امامت امام

برای بررسی اثبات امامت امام دوازدهم از منظر ابن قبه لازم است نخست درباره اندیشه های مبنایی او بحث کنیم، سپس به تبیین دیدگاه وی بپردازیم. ابن قبه تمام آموزه های دین را از منظر نصّ بررسی می کند. در نظر او تمام مسائل دینی ابتدا باید از این بُعد مطالعه شود (نک: همو، ۱۴۱۶ ب: ۱۰۰ و ۱۱۳). او موضوع غیبت را هم از این جهت در معرض بحث قرار داده و معتقد است که جامعه همواره به امام راهبر و راهنما نیاز دارد (نک: همو، ۱۴۱۶ ج: ۵۴؛ همو، ۱۴۱۶ الف: ۶۱؛ همو، ۱۹۷۹: ۱۳۳). ابن قبه در تبیین اصل ضرورت دائمی وجود معتقد است برای دسترسی به نصوص در هر عصر نیازمند به امام هستیم (همو، ۱۴۱۶ ب: ۹۸؛ همو، ۱۹۷۹: ۱۳۳-۱۳۴) و در هر زمان یک امام وجود دارد (همو، ۱۴۱۶ ب: ۹۸؛ همو، ۱۴۱۶ الف: ۶۱)؛ امامی که موظف است کتاب و سنت را بیان کند و آن را از تأویلات نابجا محفوظ دارد (همو، ۱۹۷۹: ۱۳۳-۱۳۴) و بنا بر دیدگاه امامیه، تنها راه تعیین امام، نصّ است؛ ضمن این که نصّ از طریق امام پیشین بیان می شود (همو، ۱۴۱۶ ب: ۱۲۰).

تبیین نظریه غیبت امام در اندیشه ابن قبه رازی

۱۰۷

امام عسکری علیه السلام نیز پس از خود منصب امامت را برای امام مهدی علیه السلام تعیین کرد و شمار افرادی که چنین نصب و نصّ را روایت کرده اند به حد نصاب برای حصول تواتر می رسد (رازی، ۱۴۱۶ ج: ۶۰). بنابراین باید شهادت آنان بر این مسئله پذیرفته شود (همو: ۵۷). البته ابن قبه معتقد است درباره غیبت امام زمان علیه السلام از میان همه نصوص مشهور و آشکاری که وجود دارد

اگر جز خبر کمیل بن زیاد نبود، همان کفایت می‌کرد (رازی، ۱۴۱۶: ب: ۱۱۴).<sup>۱</sup> ابن قبه برای اثبات وجود آخرین امام به نکته دیگری اشاره می‌کند و آن این است که حتماً باید فردی از فرزندان ابوالحسن ثالث (حضرت هادی) امام باشد تا حجت الهی به ایشان قائم شود و عذر خلیق در دسترسی نداشتن به امام برطرف شود (رازی، ۱۴۱۶: ج: ۵۴). همچنین این مرد (امام غایب) بر همه اهل اسلام از دور و نزدیک و حاضر و غایب، امام است و ما و بیشتر مردم بی‌آن‌که او را دیده باشیم به امامتش معتقدیم (همو). حق امامت ایشان به دنبال حق امامت پدرش ثابت شده است. اگر حق امامت امام عسکری علیه السلام ثابت شد به ضرورت، حق امامت او هم اثبات می‌شود؛ زیرا اگر پدرش حق امامت نداشت، چنین حقی به ایشان هم نمی‌رسید (همو: ۵۴).

ابن قبه در ادامه اثبات امام دوازدهم علیه السلام به حجیت نصّ درباره این امام در نقدیه‌ای که بر یکی از پیروان جعفر کذاب نگاشته اشاره می‌کند و می‌گوید:

پیشینیان ما و شما (جعفریه) این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که: چون سه نام محمد و علی و حسن پشت سر یکدیگر واقع شد چهارمین آن‌ها قائم خواهد بود. (همو: ۵۵؛ همچنین نک: نعمانی، بی‌تا: ۱۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج: ۵۱، ۳۸)

غیر از این روایت، روایات دیگری هم وجود دارد... زمانی که اثبات شد امام عسکری علیه السلام امام است، نه برادر ناتنی او (جعفر)، به ناچار طبق عقیده ما و شما باید فردی از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام امام باشد. (همو، ۱۴۱۶: ج: ۵۵ و ۵۶)

ابن قبه تصریح می‌کند اجماع بر آن است که باید امام قائمی از اهل بیت علیهم السلام باشد که با وجود او حجت خدا بر خلق تمام شود (همو: ۵۸) و ما اقرار داریم که باید فردی از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام حجت الله باشد (همو: ۵۴). ما به او رجوع می‌کنیم و به دستور او هستیم. او کسی است که حجتش ثابت شده و ادله امامتش آشکار شده است (همو) و وجود او با ادله قطعی قابل اثبات است (همو: ۵۶).

ابن قبه با اشاره به نظریات مخالفان امامیه مبنی بر عدم وجود نصوص امامت برای آخرین امام می‌گوید که اینان نخست باید نظریه خود را اثبات کنند و در مرحله بعد نظریه امامیه مبنی بر وجود نص را رد نمایند. همه انگیزه اینان از طرح این مباحث انکار مسئله غیبت امام

۱. در قسمتی از این روایت طولانی، امام علی علیه السلام به کمیل می‌فرماید: «لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ» (صدوق، ۱۴۱۶: ۲۱۰)

است (همو: ۶۱). او معتقد است این اشکال مخالفان در بحث غیبت موضوعی فرعی است که نمی‌توان آن را اثبات کرد، مگر آن که بر صحت اصل آن - یعنی بحث امامت - دلیل آورده شود. دلیل بر صحت این اصول در آثار امامیه بحث شده و موجود است؛ برای مثال، اگر پرسش‌گری از صحت احکام و شرایع از ما بپرسد، ناچاریم او را بر صحت خبر و صحت نبوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و این که آن حضرت به این احکام و شرایع فرمان داده است، دلالت کنیم. پیش از آن نیز باید اثبات کنیم خدای تعالی واحد و حکیم است و این‌ها باید پس از اثبات حدوث عالم باشد (همو، ۱۴۱۶ الف: ۶۱).

ابن قبه می‌کوشد به استمرار تاریخی غیبت امام را از زمان پیامبر تا زمان حدوث این اتفاق اشاره کند. از این روست که معتقد است در بحث غیبت، بزرگان شیعه از طریق پیامبر و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام روایاتی را در باب غیبت امام دوازدهم عَلَيْهِمُ السَّلَام بیان کرده‌اند. در این روایات به مباحثی چون احوال امام زمان، چگونگی غیبت، وضعیت حضرت در آن دوران و وضعیت مردم بعد از غیبت، پرداخته شده است (همو، ۱۴۱۶ ب: ۱۱۳). ابن قبه اذعان می‌کند درباره غیبت امام اخبار بسیاری نقل شده است (همو: ۱۰۷) و در طول تاریخ امامیه، امامان شیعه همواره تلاش کرده‌اند با بیان غیبت امام و حوادث پس از آن و چگونگی غیبت، پیش از وقوع آن، جامعه امامیه را آماده کنند و زمینه‌سازی‌های لازم را فراهم سازند (نک: همو: ۱۰۷ و ۱۱۳). آنان متذکر شده بودند که پیروانشان در آن ایام چگونه رفتار کنند (همو، ۱۴۱۶ ج: ۵۷). اخبار و روایات این موضوع در آثار امامیه موجود است (همو، ۱۴۱۶ ب: ۱۰۷).

### حجیت امام در زمان غیبت

سپس ابن قبه شکل‌های حضور امام در بین جامعه را از منظر آموزه‌های امامیه بیان می‌کند و می‌گوید:

اعتقاد امامیه همواره چنین بوده که امام یا ظاهر است و عیان، یا غایب است و مستور.  
(همو: ۱۱۴)

از همین روست که امامان شیعه همواره در بین شیعیان سعی در تبیین مسئله غیبت امام برآمده‌اند (نک: همو: ۱۰۷ و ۱۱۳). او معتقد است امام غایب همانند امام ظاهر حجت خدا بر جن و انس است و غیبت خللی به حجیت امام وارد نمی‌کند؛ همان‌گونه که غیبت کوتاه‌مدت پیامبر در غار به هنگام هجرت به مدینه، ره‌زنی به حجیت او وارد نکرد، در حالی که تنها پنج نفر از جای او خبر داشتند (همو: ۵۶). ابن قبه توضیح می‌دهد که البته احتجاج ما مربوط به

حال ظهور او و قائم مقام او در قبل و بعد نیست؛ بلکه می‌گوییم آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حال غیبت نیز بر مردمی حجت نبود که بنا بر مصلحتی مکانش را نمی‌دانستند؟ درباره امام نیز که بنا بر مصلحتی دیگر غایب است، حجت بر خلق تمام است، وگرنه چه فرقی جود دارد؟ (همو، ۱۴۱۶ ج: ۵۷)

### ولادت امام

مخالفان امامیه، تولد امام زمان علیه السلام را ادعایی و بدون دلیل معرفی می‌کردند (همو، ۱۴۱۶ ج: ۱۰۷). ابن قبه بر این نظر است که امامیان هیچ‌گاه مدعی تولد امام زمان نشدند، مگر پس از آن که از پیشینیان نشان برای آن‌ها نقل کرده‌اند که احوال او و چگونگی غیبتش، وضعیت آن زمان و اختلافات مردم درباره وی چگونه خواهد شد (همو: ۱۰۷). ابن قبه با استناد به حدیث امام رضا علیه السلام ولادت ایشان را شبیه تولد حضرت موسی علیه السلام به صورت نهانی می‌داند.<sup>۱</sup> ضمن این که توضیح می‌دهد با رفتاری که فرعون در جست‌وجوی شدید حضرت موسی علیه السلام و اعمالی که نسبت به زنان و کودکان مرتکب شد تا مکان او را پیدا کنند، پنهانی به دنیا آمد و پنهان بود تا زمانی که خداوند متعال اذن ظهور ایشان را صادر کرد (رازی، ۱۴۱۶ ج: ۵۷).

### غیبت امام

ابن قبه در بررسی مفهوم غیبت می‌گوید: غیبت عدم نیست. گاه انسان در شهری غایب می‌شود که قبلاً در آن معروف بوده و دیده می‌شده است؛ پس او در شهری دیگر غایب است. همچنین گاهی ممکن است انسانی در میان قومی غایب باشد، اما در میان قوم دیگر غایب نباشد یا از دشمنانش غایب باشد، اما در میان دوستانش غایب نباشد. در این موارد هم می‌گویند: او غایب و پنهان است. درباره امام زمان علیه السلام نیز این چنین است؛ می‌گویند: او غایب است؛ زیرا از چشم دشمنانش و دوستانی که رازدار نیستند غایب است (همو: ۶۱). او یادآور می‌شود که درباره غیبت اخبار بسیاری وجود دارد و امام غایب نشد مگر آن که پدرانش گوش شیعیان را از وقوع غیبت پر کرده بودند (همو: ۵۷). ابن قبه صحت نصوص وارده از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فساد عقیده اختیار امام از طرف امت را در کنار اخباری که می‌گوید امام

۱. «وَ قَدْ قَالَ الرَّضَا علیه السلام فِي وَصْفِهِ: يَا بِي وَأُمِّي شَبِيهِي وَ سَمِيَّ جَدِّي وَ شَبِيهَهُ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ؛ امام رضا علیه السلام در وصف امام غایب فرمود: پدرم و مادرم فدای او باد! او شبیه من و هم‌نام جدم رسول خدا و شبیه موسی بن عمران است.» (رازی، ۱۴۱۶ ج: ۵۷)

در نمی‌گذرد، مگر این‌که بر امام بعد از خود تصریح می‌کند و همچنین ضرورت وجود امام در هر دوره‌ای را از ادله اثبات امام زمان و غیبت او مطرح می‌کند (همو، ۱۴۱۶ الف: ۶۱). ابن‌قبة بر این باور است که امام زمان بنا بر مصالحی غایب است (همو، ۱۴۱۶ ج: ۵۷). او گستره قدرت ستمکاران و ظالمان (همو، ۱۴۱۶ ب: ۱۲۱)، حفظ جان (همو) و کمی یاران و یاوران (همو) را سه علت عمده غیبت امام زمان علیه السلام می‌داند.

### علت غیبت امام<sup>۱</sup>

وی به عدم مقبولیت غیبت امام دوازدهم علیه السلام بین جوامع شیعی اشاره می‌کند که باعث حیرت شیعیان (رازی، ۱۴۱۶ ب: ۱۱۳) و اختلاف آنان در امر امامت شده است (همو). ابن‌قبة در تبیین این مسئله به ظهور فرقه‌های متعدد و نزاع و کشمکش آنان در امر امامت و این‌که هریک خود را مدعی امامت می‌دانند و در تکفیر و برائت از یکدیگر گوی سبقت می‌ربایند، اشاره می‌کند (همو: ۱۰۸).

### وکلائی امام

همچنین ابن‌قبة وجود وکلا و رابطان با حضرت را مورد توجه قرار داده و بر آن است که امام از چشم دشمنان و دوستانی که رازدار نیستند غایب است و مانند پدران نزد همگان آشکار نیست. با این حال، اولیای حضرت از وجود او خبر می‌دهند و امر و نهی ایشان را به شیعیان می‌رسانند. این رابطان از کسانی هستند که نقلشان موجب اتمام حجّت و قطع عذر است و به سبب کثرت تعداد و تفاوت اغراض امکان کذب وجود ندارد و ناچار باید خبرشان را پذیرفت. این افراد - همان‌گونه که امامت پدران حضرت را نقل کرده‌اند - امامت ایشان را نیز گزارش نموده‌اند؛ اگرچه عده‌ای نیز با آنان مخالفت کرده‌اند؛ همان‌گونه که صحت معجزات نبی صلی الله علیه و آله و سلم افزون بر بیان قرآن، با نقل مسلمانان نیز ثابت می‌شود، با وجود آن که عده‌ای مخالف می‌کنند (همو، ۱۴۱۶ الف: ۶۰-۶۱).<sup>۲</sup> از این بیان ابن‌قبة می‌توان دریافت که رؤیت امام غایب

۱. درباره ابن‌قبة نک: همین نوشتار، بخش غیبت امام، و درباره سید مرتضی نک: شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ب: ج ۲، ۲۹۵.

۲. گفتنی است محمد بن جعفر اسدی (م ۳۱۲ ق) در ری به عنوان وکیل ناحیه مقدسه انجام وظیفه می‌کرده است. شیخ طوسی او را احد الابواب برشمرده (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۳۹) و کتاب *الرد علی اهل الاستطاعة* را در فهرست آثار او برمی‌شمرد (همو: ۲۳۰). درباره محمد بن جعفر اسدی نک: کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲۳۱؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۳؛ صدوق، ۱۴۱۶: ۴۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱۵؛ حلی، ۱۴۱۷: ۹۲؛ ابن‌داود، ۱۳۹۲: ۱۶۸؛ اربلی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۳۴۱). از دیگر وکلای ری نیز می‌توان به شامی بسامی رازی در قرن چهارم اشاره کرد (درباره او نک: صدوق، ۱۴۱۶: ۴۴۲؛ اربلی، ۱۳۸۵: ۱۲۸۵).

در دوران غیبت برای دوستانشان امکان پذیر است.

### شناخت امام به هنگام ظهور

وی درباره چگونگی شناخت امام در هنگام ظهور معتقد است اگر حضرت در این زمان - که هنوز چند سالی از غیبت نگذشته است - ظهور کند، همان اولیا و نزدیکان حضرت که نقلشان حجت است او را معرفی خواهند کرد، همچنان که نقل ایشان در درستی امامت او نیز نزد ما حجت است<sup>۱</sup> و اگر غیبت طولانی شود به هنگام ظهور حضرت می‌توانند برای اثبات امامت معجزه اظهار کنند.

ابن قبه در ادامه می‌گوید:

جواب دوم (امکان ظهور معجزه) مورد نظر و اعتماد ماست و به مخالفان خود بدان پاسخ می‌گوییم، اگر چه جواب اول نیز صحیح است. (رازی، ۱۴۱۶ الف: ۶۲)

گفتنی است در بررسی مطالب و مباحث با زمانه، از ابن قبه در بحث غیبت و مهدویت، او هیچ اشاره‌ای به بحث علائم‌الظهور نمی‌کند.

### نتیجه

بررسی آثار ابن قبه نشان می‌دهد وی به بحث غیبت امام توجهی ویژه نشان داده است. او می‌کوشد با بهره گرفتن از روایات ائمه علیهم‌السلام و همچنین بیانات عقلی و جدلی نظریه غیبت امامیان را به نتیجه برساند. طرحی که ابن قبه در این باره مطرح کرده رویکردی تبیینی - دفاعی از اندیشه غیبت امامیان است که مورد پذیرش متکلمان امامیه در بغداد، مانند شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی قرار گرفته است. حتی میان محدثان هم جایگاه قابل توجهی به دست آورده است؛ به گونه‌ای که شیخ صدوق - که خود محدثی شناخته شده است - در کتابی که درباره آخرین امام نگاشته رساله‌های کلامی ابن قبه در باب مهدویت و غیبت را عیناً و تنها با حذف خطبه و دیباچه آورده است و این نشان از جایگاه شایسته ابن قبه در حوزه تبیین اندیشه‌های امامتی تشیع است. افزون بر این که توجه ابن قبه به بحث امامت و به طور

ج ۳، ۳۴۱.

۱. به نظر می‌رسد ابن قبه این بیان را پیش از سال ۲۸۵ قمری می‌گوید؛ زیرا بر اساس گفته ابوسهل نوبختی، تا بیست سال پس از امامت امام غایب (سال ۲۸۵)، همه یاران امام عسکری (به جز یک نفر) که شاهد امر امامت امام پس از او بوده‌اند، درگذشته‌اند. (صدوق، ۱۴۱۶: ۹۳)

خاص غیبت، نشان می‌دهد که در دوره وی این بحث در مواجهه با مخالفان امامیه، جایگاهی داشته است. برآیند نظریات ابن‌قبه در باب غیبت این نکته را بیان می‌کند که نظریه مدرسی درباره وی نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا مدرسی معتقد است جریانی که کلام امامیه به نام خط اعتدال نام‌گذاری می‌کند نافی صفات فوق‌بشری مانند غیبت و نامیرایی امام است و ابن‌قبه را شاخص‌ترین این جریان در دوران غیبت صغرا می‌داند؛ حال آن‌که ابن‌قبه خود از نظریه پردازان تبیینی در این عرصه است. نکته‌ای که مدرسی خود در انتهای کتاب به صراحت به آن اشاره کرده، ولی مشخص نیست چرا مصداقی را مطرح کرده که با اصل نظریه خود درباره جریان‌های فکری در باب امامت همخوانی ندارد.

## منابع

- ابن اثیر، اسماعیل بن عمر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: خلیل مأمون سیحا، بیروت، دار المعرفة، ۲۰۰۲ م.
- ابن خلکان، شمس الدین، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
- ابن داود، جعفر بن حسن بن یحیی، *کتاب الرجال*، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النہایة*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *فهرست ابن ندیم*، تصحیح: رضا تجدد، تهران، بی نا، ۱۳۵۰ ش.
- اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، *کشف الغمّة*، بیروت، دار الاضواء، ۱۳۸۵ ق.
- حسینی زاده، سید علی، *نوبختیان ابوسهل و ابومحمد*، قم، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- حلبی، ابوصلاح تقی بن نجم، *تقریب المعارف*، تحقیق: فارس حسون، بی جا، محقق، ۱۴۱۷ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- رازی (ابن قبه)، محمد بن عبدالرحمن، *الانصاف (ضمن معانی الاخبار شیخ صدوق)*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۷۹ م.
- \_\_\_\_\_، *المسألة المفردة فی الامامة (ضمن کمال الدین شیخ صدوق)*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق - الف.
- \_\_\_\_\_، *نقض الاشهاد (ضمن کمال الدین شیخ صدوق)*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق - ب.
- \_\_\_\_\_، *النقض علی ابوالحسن علی بن احمد بن بشار (ضمن*



- کمال الدین شیخ صدوق) تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق - ج.
- شریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی، *المدخیره فی علم الکلام*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، *الشافی فی الامامة*، تهران، مؤسسه إسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- \_\_\_\_\_، *تنزیه الانبیاء*، بیروت، دار الاضواء ۱۹۸۹م.
- \_\_\_\_\_، *جوابات المسائل المیافارقیات* (ضمن رسائل الشریف المرتضی، ج ۱)، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق - الف.
- \_\_\_\_\_، *رسائل الشریف المرتضی*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق - ب.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سیدکیلانی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، *کمال الدین وتمام النعمة*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، *معانی الاخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، نجف، دارالآداب، ۱۳۹۱ق.
- \_\_\_\_\_، *تلخیص الشافی*، تحقیق: سید حسین بحر العلوم، قم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۴ق.
- \_\_\_\_\_، *التمهید الاصول فی علم الکلام*، تصحیح: عبدالمحسن مشکوة الدینی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- \_\_\_\_\_، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، *الغیة*، تحقیق: عبادالله الطهرانی و علی أحمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهة،

- ۱۴۱۷ق. \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، تحقیق: عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۷ق.
- \_\_\_\_\_، *مسائل الکلامیة*، (در مجموعه *مسائل العشر شیخ طوسی*) قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق - الف.
- \_\_\_\_\_، *المفصح فی الامامة*، (ضمن مجموعه *رسائل العشر شیخ طوسی*)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق - ب.
- \_\_\_\_\_، *عسقلانی (ابن حجر)*، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
- \_\_\_\_\_، *فخر رازی*، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین، *المحصل*، عمان، دارالرازی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، قیسی دمشقی، محمد بن عبدالله، *توضیح المشتبه*، تحقیق: حمد نعیم عرقسوسی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- \_\_\_\_\_، مازندرانی (ابن شهر آشوب)، محمد بن علی، *معالم العلماء*، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
- \_\_\_\_\_، مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- \_\_\_\_\_، مدرسی طباطبایی، سید حسین، *مکتب در فریاند تکامل*، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- \_\_\_\_\_، معتزلی، قاضی عبد الجبار، *المعنی*، تحقیق: ابراهیم مذکور، بی جا، الدار المصریة، بی تا.
- \_\_\_\_\_، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *رسائل فی الغیبة*، تحقیق: علاء آل جعفر، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق - الف.
- \_\_\_\_\_، *الفصول المختارة*، تحقیق: سید علی میرشریفی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق - ب.
- \_\_\_\_\_، نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- \_\_\_\_\_، نعمانی، محمد بن ابراهیم بن نعمان، *کتاب الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، بی تا.